



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۳۸۹

مصادف: اذی القعدہ ۱۴۳۱

جلسه: ۱۰

موضوع کلی: تقسیمات حکم شرعی

موضوع جزئی: تقسیم پنجم: حکم حکومتی و حکم غیر حکومتی

تدوین: رضا سیدآبادی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

کلام امام (ره)

انظار و آراء مختلف را در باب حکم حکومتی بیان کردیم و معلوم شد حکم حکومتی یا حکم الحاکم غیر از حکم اولی و غیر از حکم ثانوی است، اکنون می‌خواهیم ببینیم نظر امام (ره) جزء کدامیک از این انظار و آراء محسوب می‌شود؟ آیا نظر امام (ره) این است که حکم حکومتی غیر از حکم اولی و ثانوی است یا نظر دیگری دارند؟ ما همانطور که قبلاً وعده دادیم باید کلام امام را بررسی کنیم و به جهت اینکه در کلمات امام تعبیرات متفاوتی به کار رفته و ایشان به صراحت در این موضوع اظهار نظر نکرده‌اند باید آن را توجیه کنیم.

امام (ره) در سه موضع در رابطه با حکم حکومتی عباراتی دارند که به نگاه بدوی بین آنها تنافی وجود دارد، ابتدا آن سه کلام را بیان می‌کنیم و بعد نظر تحقیق را بیان خواهیم کرد.

موضع اول: ایشان در جایی تصریح کرده‌اند که حکم حکومتی از نوع حکم ثانوی است.

موضع دوم: در جای دیگری گفته‌اند که احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد، معنای این سخن امام این است که احکام ثانویه توسط همه فقها به صورت افتاء بیان می‌شود و این نیازی به حکم ندارد، اصلاً مسأله حکم حاکم غیر از حکم ثانوی است.

موضع سوم: همچنین در موضع دیگر امام فرموده‌اند که حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج است^۱ یا در جواب نامه‌ای امام فرموده‌اند ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است.^۲

بنا بر این امام سه نوع تعبیر دارند: یک جا در فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی امام می‌فرمایند این حکم ثانوی است و در جای دیگری فرموده‌اند احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد یعنی اینکه حکم حاکم غیر از حکم ثانوی است. در موضع سوم هم به نوعی بیان کردند که حکم حکومتی از احکام اولیه است. به عبارت دیگر یک جا می‌گویند حکم حکومتی حکم ثانوی است، جای دیگر می‌گویند حکم ثانوی نیست و جای دیگر می‌گویند حکم اولی است. ادعای ما این است که از مجموع کلمات امام (ره) استفاده می‌شود که اصل حکومت و ولایت از احکام اولیه است یعنی همانطوری که نماز، روزه، حج، صوم و خمس واجب شده و حکم و وجوب روی این طبایع بار شده حکومت و تشکیل

۱. نامه مورچه ۶۶/۱۰/۱۶

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۴

حکومت هم واجب شده است. اصل حکومت به عنوان یک مساله لازم و ضروری برای زندگی اجتماعی بشر متعلق حکم شرعی و جوب قرار گرفته، یعنی خداوند تبارک و تعالی همانطوری که فرموده است الصلاة واجبه همچنين فرموده الولاية واجبه؛ اصل حکومت و ولایت در عداد سایر احکام اولیه و چه بسا ایشان تعبیر به مقدم هم کرده، اما اجمالاً اصل حکومت یک حکم اولیه است.

شاید به این تعبیر اشکال شود که منظور از اینکه حکم حکومتی از احکام اولیه است، این است که اصل ولایت حکم اولی محسوب می شود، و این بدان معنا است که اعتبار الهی دارد؛ نه اینکه یک حکم اولی آن باشد. اما در جواب از این اشکال خواهیم گفت که اعتبار شرعی و الهی هم به نوعی بازگشتش به همان حکم اولی است، حکم اولی هم یک حکمی است که اعتبار الهی دارد و صادر از خداوند تبارک و تعالی است.

سوال: منظور از اینکه احکام ثانوی ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارند چیست؟ ...

استاد: آنچه از این کلام فهمیده می شود این است که دستورات حاکم حکم ثانوی نیست یعنی اینکه دستورات حاکم یک جنس دیگری است و الا بقیه علما هم بر اساس عناوین ثانویه حکم می دهند. ایشان می خواهد تمیز دهد و فرق بگذارد بین فقیه حاکم با سایر فقیهان و در مقام این نیست که بگوید این حکم اولی است یا ثانوی بلکه در مقام این است که ولی فقیه وقتی حکم می کند مثل سایر فقیهان که فتوایی بر اساس عناوین ثانویه می دهند نیست گرچه آن قابل نقض هست و این قابل نقض نیست.

ایشان در این مقام نیست که بگوید اعمال ولایت و اصل حکومت یک حکم اولی است یا حکم ثانوی است، بلکه می - خواهد بگوید جنس دستوراتش یک جنس دیگر است. توجه داشته باشید تاکید روی احکام ثانویه است.

به عبارت دیگر وقتی می گوید احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارند یعنی اینکه احکام ثانویه را هر مجتهدی می - تواند استنباط کند ولی آنچه را که فقیه از منظر حکومت و حاکمیت می گوید یک چیز دیگر است و فقیه حتی از غیر از موضع ولایتش می تواند بر اساس عناوین ثانویه حکم ثانوی بدهد.

توجیه کلام امام:

اما اینکه ایشان در مورد تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی فرموده اند یک حکم ثانوی است، ظاهراً بر طبق ممشای مشهور این سخن را گفته، مشهور است که کسانی که به این نوع ولایت قائلند و حکم حاکم را نافذ می دانند به اعتبار این است که این یک حکم ثانوی است و ایشان روی جنبه حکم بودنش تاکید کرده اند در مقابل فتوا؛

اما خود ایشان مسلماً حکم حاکم را از قبیل حکم ثانوی نمی دانند چون به صراحت می گویند حکم ثانوی ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد و حداقل این است که این سخن یک سخن کلی است و آن را در مورد یک امر جزئی فرموده است در دوران بین این دو حرف مسلماً این کلام کلی مقدم است و آنچه که ما قاطعاً می توانیم بگوییم این است که امام حکم حکومتی را یک حکم ثانوی نمی دانند.

نتیجه:

حالا آیا این حکم حکومتی که حکم ثانوی نیست، حکم اولی است یا اصلاً غیر از این دو است؟

ما از کلمات ایشان استفاده می‌کنیم که ایشان معتقدند حکم حکومتی غیر از حکم اولی و ثانوی است، وقتی این دو جمله را کنار هم می‌گذاریم این نتیجه حاصل می‌شود که حکم حکومتی حکم ثانوی نیست. بلکه اصل حکومت را ایشان حکم اولی می‌دانند اما به نظر ما امام حکم حکومتی را غیر از حکم اولی و حکم ثانوی می‌دانند.

بحث جلسه آینده: بررسی کلام شهید صدر